

جایگاه حقوقی آلزایمر و آثار آن

مصطفی اکبری

چکیده

آشنایی با بیماری آلزایمر تصور بشر را در خصوص جنون تا حدودی تغییر داد. تا قبل از پیدایش بیماری آلزایمر تصور بر این بود که نمی توان مکانیزم و زمان زوال عقل در بشر را پیش بینی کرد در حالیکه قبل از آن تصور بر این که نمی توان زمان حجر را پیش بینی نمود. افراد در زمان رشد می توانستند به صورت تقریبی زمان حجر خود را بدانند و شاید نیاز می دیدند که تمهیداتی حقوقی برای زمان حجر خود در نظر بگیرند. از آنجایی که در قانون مدنی ایران درمورد افرادی که دچار آلزایمر شده اند مواد خاصی در نظر گرفته نشده است و همچنین با توجه به این که کشف بیماری آلزایمر قدمت زیادی ندارد و در نظریه فقها امکان بررسی این جریان به طور مجزا وجود نداشته است با بررسی مواد قانونی و فقهی مرتبط مانند مطالب سغه و جنون به نظر می رسد که باید قوانین خاصی برای بیماران آلزایمری در نظر گرفته شود اشخاص الزایمر به علت فراموشی و عدم یادآوری دارای مشکلات حقوقی هستند. اشخاص برای این که اعمال حقوقی انجام دهند باید اهلیت قانونی برای اعمال حقوقی را داشته باشند. از طرفی اشخاص مبتلا به الزایمر به دلیل نداشتن اهلیت قانونی فاقد توانایی برای انجام اعمال حقوقی بود و فقط می تواند در برخی موارد آن ها را مجبور به انجام تعهدات نمود. قانونگذاری نیز در راستای حمایت آن ها باید باید به تبیین وضعیت حقوقی آن ها پردازد.

واژگان کلیدی: الزایمر، اعمال حقوقی، تعهد، عقد، ایقاع

بیماری آلزایمر بیماری غافلگیر کننده، و از پا اندازنده یی است که به بالا رفتن سن همراه است. خلاصه حافظه، سردرگمی، و زوال عقل در آن بطور اجتناب ناپذیری بدتر می شوند. افراد مبتلا به بیماری آلزایمر غذا پختن و تفریح کردن را از یاد می برند، توانایی نگهداری حساب دسته چک و حساب بانکی خود را از دست می دهند، و رانندگی را فراموش می کنند. تقریباً تباهی رفتار و جسم بطور کلی در مراحل آخر بیماری آلزایمر است. بیماری آلزایمر علاوه بر اینکه علت اصلی تباهی روانی در پیری است، بین ۵ تا ۱۰ درصد همه افراد ۶۵ سال و بیشتر را مبتلا می سازد. از هر سه خانواده، والد یک خانواده بر اثر این بیماری می میرد. این بیماری گرایش به شیوع خانوادگی دارد و در زنان نسبت به مردان فراوانی بیشتری دارد. از طرفی در حقوق اشخاص بر اساس ماده ۲۱۱ قانون مدنی، برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند، باید بالغ، عاقل و رشید باشند، به همین دلیل ماده ۲۱۲ قانون مدنی، معامله با اشخاصی که بالغ، عاقل یا رشید نیستند را به واسطه عدم اهلیت، نافذ نمی داند. حال سوالی که مطرح می شود آیا اشخاص مبتلا به الزایمر توانایی و اهلیت حقوقی دارند؟ در این مقاله به این موضوع پرداخته می شود. آشنایی با بیماری آلزایمر تصور بشر را در خصوص جنون تا حدودی تغییر داد. تا قبل از پیدایش بیماری آلزایمر تصور بر این بود که نمی توان مکانیزم و زمان زوال عقل در بشر را پیش بینی کرد در حالیکه قبل از آن تصور بر این که نمی توان زمان حجر را پیش بینی نمود. افراد در زمان رشد می توانستند به صورت تقریبی زمان حجر خود را بدانند و شاید نیاز می دیدند که تمهیداتی حقوقی برای زمان حجر خود در نظر بگیرند. ساختارهای متعارف قانونی برای چنین شرایطی ایجاد نشده بود و لازم بود که تغییراتی در قوانین به این جهت ایجاد شود و در همین لحاظ بود که در انگلستان قوانین خاصی برای این موضوع در نظر گرفته شد و قوانین آلزایمری ها از سایر محجورین

تمیز داده شد ولی در ایران چنین تغییری در قوانین هنوز ایجاد نشده است. باید در نظر داشت که با توجه به تفاوت های علمی که بین آلزایمر که یک اختلال دژنراتیو مزمن و پیشرونده عصبی است با باقی موارد حجر وجود دارد موارد قانونی خاصی را برای آن در نظر بگیریم. با توجه به مواد ۱۲۰۷ تا ۱۲۵۶ در باب حجر و قیمومت در قانون مدنی در حال حاضر آلزایمر تحت این قوانین بررسی می شود که با توضیحات ارائه شده در ادامه مشخص است نیاز به قانون گذاری مجزا دارد همانند کشور انگلستان که قانون اهلیت روانی را در این زمینه به تصویب رسانده است. مشکل اساسی در این خصوص این است که قوانین ایران بر اساس مبانی گذشته فقهی در خصوص حجر بر اساس مفهوم قصد تفاوتی بین آلزایمر و سایر موارد جنون نمی گذارد ولی به نظر می رسد که موضوع آلزایمر یک موضوع مستحدثه است که نیاز به قوانین خاص خود دارد.

بخش اول: مفهوم شناسی آلزایمر

بیماری آلزایمر یا دمانس پیری، نوعی اختلال مغزی مزمن پیشرونده و ناتوان کننده است که با اثرات عمیق بر حافظه، هوش و توانایی مراقبت سازماندهی و استدلال انتزاعی همراه است. میزان شیوع این بیماری بعد از سن ۶۵ سالگی به ازای هر ۵ سال، دو برابر می شود، به طوری که ۴۰ تا ۵۰ درصد سالمندان بالای ۸۵ سال جامعه مبتلا به این بیماری می شوند و افزایش سن، مهمترین عامل خطر جهت ابتلا به این بیماری است. برآورد شده است تا سال ۲۰۳۰، سی میلیون نفر در سراسر جهان به آلزایمر مبتلا خواهند شد. معمولاً فقدان حافظه، اولین علامتی است که بروز می کند، با این حال حافظه دور، عملکرد بهتری نسبت به حافظه نزدیک دارد. اختلال در تفکر انتزاعی به صورت کاهش ظرفیت تعمیم دهی، تمایز قایل شدن و دلیل آوردن منطقی بروز می کند. همچنین کاهش در کنترل تکانه های پرخاشگری

و جنسی، تغییرات شخصیتی، اختلالات خلقی، عدم تعادل هیجانی به صورت غمگینی، ناراحتی، حالت پرخاشگری و تهاجم یا سرخوشی بی دلیل و نامناسب، هذیان و توهم^[۲]م بروز می کند. این اختلال ارتباطی، می تواند به صورت ناتوانی در بیان گرسنگی، تشنگی و دیگر احتیاجات روزمره باشد. این اختلال باعث می شود راهکارهای سازگاری کاهش یافته، آستانه تنش پایین بیاید در قانون ما این قشر به طور مجزا بررسی نشده اند و گفته شد که ما تحت عنوان کلی محجورین به آن می پردازیم و در عین حال می توان گفت که این قشر به سفه نزدیک ترند. اما در قانون انگلستان بین افرادی که دچار آلزایمر شده اند و دیگر محجورین تفاوت هایی قائل شده اند، حتی قانونی تحت عنوان (۲۰۰) را برای این قشر در نظر گرفته اند. در این قانون افرادی که دچار آلزایمر می شوند به دو صورت اموراتشان سرپرستی می شود تعیین و کیل با اراده سالم قبل از بیماری و دادگاه.

بند اول: تعریف حجر

حجر در لغت به معنای بازداشت. منع ۲. کنار، خرد، پناه. آورده شده است. ره گ ارسی ده (دا) و بموجب ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، «اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند: ۱- صغار. ۲- اشخاص غیر رشید. ۳- مجانین». برطبق این ماده اولاً: محجور کسی است که از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع است و به عبارت دیگر اهلیت استیفا ندارد. (در فقه محجور بر صغیر و سفیه و مجنون و بنده و مفلس و مریض در مرض موت اطلاق میشود). ثانیاً: در حقوق مدنی در باب حجر فقط از صغیر و غیر رشید و مجنون بحث می شود. حجر از لحاظ شرعی به معنی بازداشتن شخص از تصرف در مالش می باشد که ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد از جمله صغر و سفیه و جنون که در کتب فقهی مفصلاً به آن ها اشاره و توجه شده از جمله در تحریر الوسیله امام خمینی (ره) و

شرایع الاسلام محقق حلی در باب حجر. در تحریر الوسيله در تعریف حجر آمده است که: حجر در شرع عبارت است از اینکه شخصی به جهتی از جهات ممنوع شود از تصرف در مال خودش و آن جهات بسیار است و عمده آنها صغر سن (و نرسیدن کودک به حد بلوغ و رشد) و سفاقت (یعنی نارسایی عقل) و فلس (یعنی ورشکستگی) و مرض موت است.

بخش دوم: ماهیت ویژگی ها اشخاص آلازیمری

۱. توهمات

همچنان که بیماری آلازیمر پیشرفت نموده و بدتر می شود، شخص مبتلا به آلازیمر ممکن است دچار توهمات و خیالات باطل شود یعنی چیزهایی را ببیند، بشنود، بو کند و احساس کند که وجود خارجی ندارند و یا اینکه عقاید بیهوده ای پیدا کند که نتوان او را متقاعد نمود که این عقاید اشتباه می باشند. گاهی اوقات این توهمات و خیالات باطل نشانه ای از یک بیماری دیگر غیر از بیماری آلازیمر می باشند. برای مطمئن شدن از این وضعیت، با پزشک او مشورت نمایید. پرسه زدن بی هدف یکی از مهمترین جنبه های مراقبت از بیماران، سالم نگه داشتن و جلوگیری از خطرات برای آنها می باشند. بعضی از بیماران مبتلا به آلازیمر تمایل زیادی دارند که از خانه و مراقبینشان دور شوند و بی هدف پرسه بزنند. دانستن اینکه چه کارهایی باید انجام داد تا پرسه زدن های این بیماران را محدود نماییم می تواند از گم شدن بیمار در خیابان ها جلوگیری نماید. رانندگی تصمیم گرفتن در مورد اینکه بیمار مبتلا به آلازیمر دیگر صلاح نیست رانندگی کند مشکل می باشد و نیاز به انجام صحبت های دقیق با بیمار دارد. حتی اگر بیمار از اینکه با این کار استقلال خود را از دست می دهد ناراحت شود، با این حال سلامتی او مقدم بر هر چیز دیگری می باشد (گنجعی، ۱۳۹۱: ۲۷۸).

اعمال حقوقی اعمال حقوقی که منشأ تعهد برای متعهد محسوب می گردند در چهارچوب

دو موضع کلی عقد و ایقاع قرار می گیرند. هرگاه این اعمال که دارای اثر شرعی و حقوقی هستند، موقوف به رضایت دو نفر باشند این عمل حقوقی عقد است که بدون وجود طرفین اثری بر آن مترتب نمی شود. اما اگر ترتیب اثر بر این عمل حقوقی موقوف به رضایت دو طرف نباشد بلکه رضایت یکی در آن کفایت کند، این دسته عمل حقوقی را ایقاع نامند. ویژگی اشخاص آلازم بیان شد و شناخت از آنها حاصل شده است. حالا باید دانست که این افراد توانایی انعقاد عقد یا ایقاع را دارند در معنای واقعی توانایی اعمال حقوقی را دارند؟

۲. عقد

در اصطلاح حقوقی، عقد یکی از مصادیق «اعمال حقوقی» است. مراد از اعمال حقوقی نیز آن دسته از پدیده های حقوقی اند که آنچه در درجه اول در ترتب آثار حقوقی بر آنها نقش دارد، اراده اشخاص است؛ برخلاف «وقایع حقوقی» که آثار حقوقی آنها به اراده شخص مربوط نشده، بلکه به حکم قانون مترتب می گردند و به نوبه خود ممکن است واقعه ای ارادی باشد؛ مثل غصب و اتلاف، یا واقعه ای غیرارادی باشد، مثل فوت، تولد، حوادث قهری و... (شهیدی، ۱۳۸۵: ۳۵). اولین ماده در قانون مدنی ایران که مواد مربوط به قواعد عمومی قراردادها به طور مشخص از آنجا شروع می شود، ماده ۱۸۳ است. این ماده در مقام تعریف عقد می گوید: عقد، عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر، تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد. «با دقت در این تعریف می توان دو شرط اساسی زیر را برای صدق عقد، در موردی استفاده کرد: ۱. توافق دو یا چند اراده باهم؛ ۲. ایجاد تعهد. (شهیدی، ۱۳۸۵: ۳۶). در ماده ۱۹۳ ق.م. شرایط اساسی انعقاد مشخص شده است: ۱. قصد طرفین و رضای آنها، ۲. اهلیت طرفین، ۳. موضوع معین که

مورد معامله باشد و ۴. مشروعیت جهت معامله. دربند سوم آن اهلیت طرفین ذکر شده است یعنی در صورت نداشتن اهلیت، عقد اشخاص دارای عدم اهلیت نافذ محسوب نمی شود. در فصل اول در بحث اهلیت استیفا موارد لازم بیان شد. تمایل قانون گذار این است که مردم از اهلیت استیفاء یا اجرا برخوردار باشند. به عبارت دیگر قانون گذار میلی به محدود کردن حقوق افراد ندارد مگر این که این حقوق یا سلب بعضی از آنها به نفع خود شخص یا جامعه باشد؛ به عبارت دیگر چنانچه برخورداری از حقوق مدنی از جمله اهلیت اجرا موجب بروز خطرات مالی برای کسانی باشد، مقنن آن را محدود و یا حتی سلب می کند و به موازات کاهش خطر محدودیت نیز کاهش می یابد (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۵۶). برای اینکه شخص اهلیت استیفا داشته باشد در ماده ۲۱۱ قانون مدنی شرایط آن ذکر شده است ماده فوق بیان می کند: «برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند. حالا بحث این می شود که آیا اشخاص الزایمر این سه قابلیت را دارند؟ در خصوص بلوغ این افراد در رسیدن به بلوغ مشکلی ندارند، پس توانایی آن دسته اعمال حقوقی مانند امور غیر مالی که از بلوغ ناشی می شود را دارند. در خصوص عقل، معیار و ملاک می تواند هوشیاری این افراد را بررسی قرار داد. ایقاع ایقاع نوعی عمل حقوقی است که فقط با اراده یک نفر انجام می شود و برخلاف عقد یا قرارداد به توافق دو یا چند اراده نیاز ندارد. هر چند ممکن است با اراده دیگری از میان برود. آنچه در قانون استثنا بر این اصل است، مصادیقی از قبیل طلاق و اخذ به شفعه است که به ایقاعات خلاف قاعده مشهور گشته است. بر این اساس، فرض تأثیر اراده یک نفر در ایجاد عمل حقوقی، منوط به عدم ورود ضرر به دیگران و در چهارچوب احترام به اصل آزادی اراده است. آنچه با رعایت همین اصل در نظریه ی بعضی از فقیهان ارائه شده ملاک اضرار است؛ یعنی هرگاه از قصد یک طرف ضرری به دیگری وارد نشود آن قصد، تنها مؤثر بوده و نیازی به اعلام قبول طرف نیست. بنابراین،

آنچه در همه تعارف مذکور ثابت و مشخص است، پذیرش ایقاع به عنوان یک اثر حقوقی است که به طور مستقل و بدون نیاز به اراده و یا رضایت دیگری، اثر مطلوب یا تعهد ناشی از ایقاعات را به وجود می آورد و ایجاد اثر حقوقی منوط به رضای هیچ کس دیگر نمی شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۴۸۸). مسئله قابل طرح این است که الزایمر توانای انجام عمل ایقاع را دارند یا به دلیل عدم توانایی یا قرار گرفتن در دسته محجورین فاقد این عمل حقوقی باشند؟ ملاک اصلی قصد انشا داشتن شخصی است که ایقاع می کند. مانند طلاق که در آن شخص باید قصد طلاق داشته باشد. با توجه قرار دادن معیار قصد می توان این گونه پاسخ داد که اشخاص الزایمر اگرچه دارای قصد هستند ولی توانایی و تداوم قصد را در اعمال حقوقی را به دلیل فراموشی نداشته و با عارض شدن الزایمر ایقاعات این افراد فاقد ارزش حقوقی است. تاثیر الزایمر بر عقود اذنی عقود اذنی، عقود هستند که اثر اصلی آنها اذن است. در این گروه از عقود جایز در نتیجه اراده طرفین تنها اذن حاصل می شود. از ویژگی های بسیار مهم اذن می توان به وابستگی اذن به اراده سالم طرفین آن (اذن دهنده و ماذون) اشاره کرد. با تحقق و انشاء اذن در عالم حقوق، اذن از سوی اذن دهنده و با اراده او به شخص ماذون اعطا می گردد. بنابراین اراده شخص اذن دهنده در زمانی که آنرا انشاء می نماید، باید سالم بوده و اهلیت لازم را دارا باشد و تا زمانی که فرد بر اذن خود باقی است این سلامت اراده باید وجود داشته باشد. از سوی دیگر شخص طرف مقابل اذن دهنده که همان ماذون است، باید از اهلیت و اراده سالم برخوردار باشد. بنابراین اهلیت و اراده سالم اذن دهنده و ماذون تا زمانی که اذن باقی است، باید به صورت مستمر وجود داشته باشد و به محض فوت یا حجر آنان از آنجایی که اذن تدریجی الحصول و در آنات زمانی محقق می گردد، اذن نیز قطع گردیده و عمل حقوقی منعقد، منحل خواهد شد. به عبارت دیگر ویژگی اذن آن است که وابسته به اراده اذن دهنده است و هرگاه اذن دهنده

اراده کند، می تواند از اذن خود رجوع کند. به علاوه از آن جهت که اذن همواره باید از سوی منبع آن حمایت شود، در هر مورد که منبع آن خاموش شود، اذن ساقط و عمل حقوقی نیز منفسخ می گردد. مشهور فقها فوت یا جنون اذن دهنده را از اسباب انفساخ عقد جایز دانسته اند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۳۶۲؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۹۰، طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۶۸؛ مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۰۶؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۵۳؛ حلی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۵۴؛ بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۲۲: ۲۳) این حکم در قانون مدنی نیز منعکس گردیده است. مطابق ماده ۹۵۴ قانون مدنی: کلیه عقود جایزه به موت احد طرفین منفسخ می شود و همچنین به سفه در مواردی که رشد معتبر است. «اما سؤال اساسی در این بحث آن است که آیا عوامل زایل کننده اذن امری طبیعی است که به تشخیص اهل خبره (پزشکان) است یا امری وضعی و به تشخیص قانون گذار؟ به بیان دیگر آیا قانون گذار است که موارد سقوط اذن را تعیین می کند و او تنها فوت، جنون و سه، در مواردی که رشد معتبر است را به عنوان مسقطات اذن مطرح کرده و در سایر موارد باید حکم به بقای عمل حقوقی نمود یا حکم، خلاف این است و در هر مورد که اذن ساقط شود، عمل حقوقی مبتنی بر اذن نیز منحل می شود، خواه قانون به آن اشاره کرده باشد، خواه به سکوت از آن گذشته باشد. دیدگاه اول موافق با ظاهر ماده و اصول حقوقی است. ظاهر ماده ۹۵۴ قانون مدنی به صراحت در خصوص موارد سقوط اذن اظهار نظر کرده و تنها موارد خاصی را موجب اسقاط اذن دانسته است. قانون گذار در این ماده فوت، جنون و سفه را به عنوان تنها مسقطات اذن معرفی می نماید. بنابراین از نظر قانون مدنی اذن تنها در صورت حدوث موارد فوق زایل می شود و در سایر موارد اگرچه ممکن است درواقع اراده زایل شود اما اذن به قوت خود باقی است. به علاوه، این دیدگاه با اصول عملیه نیز منطبق است. اصل قابل استناد در این قسمت، استصحاب است. اعتبار عملی که نسبت به صحت انعقاد آن در زمان گذشته یقین وجود دارد، محل شک قرار

می گیرد و استصحاب اقتضای استمرار حالت سابق و عدم توجه به شک لاحق را دارد. در مسأله مذکور نیز چنانچه بقای اعمال حقوقی اذنی در مواردی غیر از فوت، جنون و سفه مورد تردید قرار گیرد، استصحاب حکم به بقای اعتبار عقد می کند. (صفایی، قاسم زاده ۱۳۸۸: ۱۸۹). اما در مقابل به نظر می رسد از لحاظ حقوقی نظر دوم قابل تأیید باشد و نگارنده نیز قائل به این نظر است. زیرا همان طور که بیان شد، در هر مورد که اذن ساقط شود، عمل حقوقی مبتنی بر اذن، در این مورد عقد جایز اذنی نیز زایل خواهد شد. در واقع ملاک بقای عقود جایز اذنی، اذن و استمرار حمایت از آن است. حال اگر به دلایلی هر چند غیر از موارد مذکور در ماده ۹۵۴ قانون مدنی ارتباط اذن با منبع زاینده آن قطع شده و حمایتی از آن صورت نگیرد اذن از بین خواهد رفت که نتیجه آن انفساخ عقد جایز اذنی خواهد بود. با عنایت به مقدمات فوق و اینکه در الزایمر چه در الزایمر خفیف و چه در حالت شدید، خاستگاه اراده فرد و منبع زاینده اذن که قسمت قشر مغز است آسیب دیده و در نتیجه رابطه بین اذن و منبع زاینده آن از بین می رود، لذا انفساخ عقود جایز مبتنی بر اذن به لحاظ حقوقی قطعی خواهد بود. چون در چنین وضعیتی بیمار به دلیل عدم عملکرد قشر مغز، فعالیت ارادی نداشته و در نتیجه نمی تواند از اذن حمایت کند. بنابراین ادامه اعتبار عقود جایز مبتنی بر اذن منتفی است. ولی در حقوق فعلی ایران، این نظریه به دلیل اینکه قانون گذار در ماده ۹۵۴ قانون مدنی موارد انفساخ عقود جایز را احصاء کرده و از الزایمر و سایر عواملی که باعث زوال اذن می شوند نامی نبرده است، قابلیت اجرا ندارد. پیشنهاد می شود قانون گذار در اصلاحات آینده قانون مدنی به این نکته عنایت داشته باشد تا حقوق اشخاص به الزایمر رفته تضییع نشود. اجبار متعهد در تعهدات محدود به زمان حال سؤال دیگری مطرح می شود و آن در موردی است که انجام تعهد دارای زمان معین است. در این صورت و با انقضاء موعد و عدم اجرای تعهد در موعد مقرر، آیا حق الزام متعهد به اجرای تعهد (اولین ضمانت

اجرا) به قوت خود باقی می ماند و متعهد بعد از موعد مقرر همچنان موظف است تعهد را به اجرا دریاورد یا اینکه تعهد متعهد ساقط شده و وی فقط مکلف است خسارات وارده به متعهد له را جبران نماید؟ در پاسخ به این سؤال باید بین موردی که تعهد و زمان به نحو وحدت مطلوب است و تعهد و زمان به نحو تعدد مطلوب است فرق گذاشت که ما در زیر به بررسی آن ها می پردازیم. تعهد و زمان اجرا به نحو وحدت مطلوب موردی که اجرای تعهد فقط در موعد مقرر موردنظر طرفین بوده و بعد از انقضاء موعد، مدنظر متعهد له نبوده و نفعی برای وی ندارد. در این صورت اصطلاحاً می گویند که زمان اجرای تعهد، قید مورد تعهد است و یا اینکه مورد تعهد و زمان اجرای آنی به نحو وحدت مطلوب موردنظر بوده است در این فرض با انقضاء موعد، تعهد ساقط شده و متعهد فقط مکلف است خسارات وارده به متعهد له را جبران کند. تعهد و زمان اجرا به نحو تعدد مطلوب موردی که ذکر زمان در تعهد جنبه فرعی دارد و قید تعهد نیست. یعنی تعهد موردنظر هم در زمان مقرر و هم پس از آن، خواسته و مطلوب متعهد له است. به عبارت دیگر آنچه از نظر متعهد له اهمیت دارد صرفاً انجام تعهد است چه در زمان مقرر باشد و چه بعد از آن، مثل اینکه موضوع تعهد ساختن خانه ای طرف شش ماه باشد. در این صورت چنانچه متعهد به تعهد خود در زمان مقرر عمل ننماید، تعهد وی بعد از انقضای موعد نیز ساقط نمی شود و متعهد همچنان مکلف است بعد از انقضای مدت نیز، خانه را تکمیل نماید و به خاطر تأخیر در انجام تعهد باید به متعهد له خسارت بپردازد. در این فرض، انجام تعهد مقصود اصلی و تحقق آن در موعد مقرر مقصود فرعی طرفین است (امامی، ۱۳۸۶: ۲۳۸). (شهیدی، ۱۳۸۵: ۶۷).

بخش سوم: بررسی الزایمر بر تعهدات ناشی از عقد

در این قسمت از بحث به بررسی تأثیری که عارضه الزایمر بر تعهداتی که از عقد حاصل می‌شود می‌پردازیم. به عبارت دیگر هر عقدی که واقع می‌شود تعهداتی را برای طرفین دارد که این تعهدات می‌تواند قایم به شخص باشد یا غیر قایم به شخص. همچنین انجام این تعهدات می‌تواند محدود به زمان خاص باشد یا محدودیتی برای انجام آن وجود نداشته باشد. در این قسمت از بحث نگارنده به بررسی تأثیری که الزایمر می‌تواند در انجام یا عدم انجام آن‌ها داشته باشد می‌پردازد. تأثیر آلزایمر بر تعهدات قایم به شخص فرض کنید که نقاش ماهر در طی عقدی کشیدن یک نقاشی خاصی را بر عهده می‌گیرد و بعد از آن دچار عارضه الزایمر شده و برای مدت طولانی در آن وضعیت باقی می‌ماند. حال وضعیت چنین تعهدی و اثر آن بر عقد چگونه خواهد بود؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که هرچند در حقوق ایران به عنوان قاعده اصلی، اولین ضمانت اجرای عدم انجام تعهدات، اجبار متعهد به انجام تعهد است. (در بعضی موارد فسخ نیز به عنوان اولین ضمانت اجرا آورده شده است). ولی در مورد عدم انجام تعهد به علت الزایمر نمی‌توان این قاعده را پیاده کرد چون اجبار متعهد به انجام تعهد زمانی عقلایی است که متعهد قادر به انجام تعهد خود بوده و آن را انجام ندهد در حالی که در الزایمر، شخصی که دچار این عارضه شده، حتی قادر به انجام یادآوری مهارت خود نیست چه برسد که تعهد خود را انجام دهد بنابراین نمی‌توان متعهد را به انجام تعهد اجبار کرد و چون تعهد از اعمالی است که قید مباشرت متعهد در آن وجود دارد لذا انجام تعهد از طرف دیگری نیز غیرممکن خواهد بود پس متعهد له چاره‌ای جز استفاده از سایر ضمانت اجراها، از جمله فسخ، مطالبه خسارت و وجه التزام در صورت ذکر در قرارداد ندارد. بررسی تأثیر از آلزایمر بر تعهدات غیر قایم به شخص در مورد تأثیر الزایمر بر تعهدات غیر قایم به شخص باید گفت که در مورد ضمانت اجرای تعهدات غیر قایم به

شخص، قاعده کلی همان طور که در قسمت قبل گفته شد اجبار متعهد به انجام تعهد است ولی این قاعده را در مورد اشخاص مبتلا به الزایم به علت وضعیت حاد جسمانی فرد متعهد نمی توان اعمال کرد و با توجه به این که این تعهد از جمله اعمالی است که توسط دیگران نیز قابل اجرای است در این صورت به دستور دادگاه تعهد مورد نظر به وسیله دیگری و به حساب متعهد انجام خواهد گرفت در این مورد می توان به ماده ۲۳۸ قانون مدنی استناد کرد. هر چند این ماده در مورد شروط ضمن عقد است ولی همان طور که در قسمت های قبلی اشاره شد شروط ضمن عقد نیز از تعهدات تبعی عقد محسوب می شوند. ماده ۲۳۸ قانون مدنی اشعار می دارد: هرگاه فعلی در ضمن عقد شرط شود و اجبار ملتزم به انجام آن غیر مقدور ولی انجام به وسیله شخص دیگری مقدور باشد حاکم می تواند به خرج ملتزم موجبات انجام آن فعل را فراهم کند. بررسی تأثیر الزایم بر تعهد به نحو وحدت مطلوب در صورتی که اجرای تعهد فقط در موعد مقرر مورد نظر طرفین بوده و بعد از انقضاء موعد، مدنظر متعهد له نبوده و نفعی برای وی ندارد. در این صورت اگر متعهد در آن زمان در الزایم باشد و بعد از انقضای موعد مدنظر متعهد له از الزایم خارج شود در این صورت انجام تعهد بیهوده خواهد بود چون انجام آن در زمان معین مدنظر متعهد له بوده است، بنابراین در این صورت باید گفت که تعهد ساقط شده و متعهد فقط مکلف است خسارات وارده به متعهد له را جبران کند. بررسی الزایم بر تعهد به نحو تعدد مطلوب موردی که ذکر زمان در تعهد جنبه فرعی دارد و قید تعهد نیست. یعنی تعهد مورد نظر هم در زمان مقرر و هم پس از آن، خواسته و مطلوب متعهد له است. به عبارت دیگر آنچه از نظر متعهد له اهمیت دارد صرفاً انجام تعهد است چه در زمان مقرر باشد و چه بعد از آن. در این صورت چنانچه متعهد به علت عارضه الزایم به تعهد خود در زمان مقرر عمل ننماید، تعهد وی

حتی بعد از انقضای موعد مدنظر نیز ساقط نمی‌شود و متعهد همچنان مکلف است به تعهد خود عمل کند.

بخش چهارم: آرایمر در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان قانونی را برای افرادی که دچار آرایمر می‌شوند در نظر گرفته اند و قانون خاصی را با عنوان قانون اهلیت روانی مصوب سال ۲۰۰۵ را در جهت رفاه حال این افراد ایجاد کرده اند. در این قانون فرد قبل از اینکه اهلیت روانی خودش را از دست بدهد و کیلی را با وکالت نامه ایی تحت عنوان برای خود می‌تواند تعیین نماید که تا زمانی که زنده و محجور است امور مالی و رفاهی و درمانی او را انجام دهد. در قانون اهلیت روانی با تفاوتی که بین محجورین و دیگر افراد مبتلا به آرایمر در نظر گرفته اند امتیاز ویژه ای را هم مد نظر قرار داده اند مانند ایجاد یک وکالتنامه دائمی برای بعد از حجر افراد مبتلا به آرایمر. برای ایجاد این وکالتنامه دائمی باید فرد اعطا کننده به ۱۸ سالگی رسیده باشد و اهلیت لازم جهت قانونی کردن وکالتنامه را داشته باشد، در غیر این صورت اگر شخص به ۱۸ سالگی رسیده، ولی اهلیت لازم را نداشته باشد و محجور باشد نمی‌تواند وکالتنامه را قانونی کند، لازم به ذکر است که همیشه برای شخصی که یک EPA تنظیم کرده است این امکان وجود دارد که آن را خاتمه دهد و به جای آن یک LPA ایجاد کند، مشروط بر اینکه هنوز شرط لازم اهلیت روانی را داشته باشد.

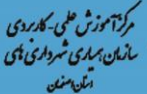
در وکالتنامه دائمی (LPA) اجرای وکالتنامه با حجر موکل شروع می‌شود و منظور از حجر در زمینه مبتلایان به آرایمر ناتوانی در تصمیم گیری است. شخصی ناتوان از تصمیم گیری شناخته می‌شود که نتواند اطلاعات (منظور از اطلاعات مربوط به یک تصمیم نتایج منطقی قابل پیش بینی است) مرتبط با تصمیم را درک و حفظ کند و آن‌ها را به عنوان بخشی

از از فرایند اتخاذ تصمیم بکار ببرد و توانایی ابراز تصمیمش را نداشته باشد (خواه با صحبت کردن، با زبان اشاره، یا با هر وسیله دیگری). باید در نظر داشت که اگر شخص بتواند با استفاده از زبان ساده، کمک‌های بصری (زبان اشاره) یا به هر وسیله دیگری نشان دهد که توضیحی که در رابطه با تصمیمش به او داده می‌شود را درک می‌کند ناتوان از درک اطلاعات مربوط به تصمیم نیست.

نتیجه گیری

آلزامی یکی از بیماری‌های نسبتاً رایج در عصر حاضر است. شیوع این بیماری، به خصوص در جوامع مدرن شهری، در کنار ویژگی‌ها و عوارض خاص آن باعث شده است تا توجه افکار عمومی و رسانه‌ها در سال‌های اخیر، بیشتر متوجه این بیماری شود. در طی این سال‌ها علی‌رغم فعالیت‌های مستمر مراکز پژوهشی در راستای درمان قطعی این بیماری، در خصوص آثار و ابعاد حقوقی مربوط به اعمال و تصمیمات مبتلایان به این بیماری، نقش و تکالیف نزدیکان بیمار و وظایف دادستان‌ها در حمایت از بیماران مبتلا به آلزایمر کمتر مطلبی مورد بحث قرار گرفته است. اشخاص مبتلا به الزایمر محجور محسوب شده و نیاز به حمایت قانون‌گذار دارد. اعمال حقوقی این اشخاص نافذ نبوده و به دلیل عدم تمرکز بر قوا فکری و عقلی خود توانایی اداره کردن خود را ندارند. الزایمر یک بیماری خاص است و باعث اسقاط عقود اذنی و جایز می‌شود. و در تعهد مربوط به عقود لازم در برخی موارد الزام شخص الزایمر ممکن است ولی در برخی موارد دیگر امکان الزام وجود ندارد و متعهدله فقط حق فسخ تعهد را دارد.

۱. امامی، س ح ، حقوق مدنی، جلد ۱، چاپ چهاردهم، تهران، نشر: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹.
۲. انجمن روان‌پزشکی امریکا، متن تجدیدنظر شده‌ی راهنمای تشخیص و آمار اختلال‌های روانی، محمدرضا نیک‌خو و همایاک اوادیس یانس، چاپ دوم، تهران: سخن. ۱۳۸۴
۳. صفایی، س ح؛ قاسم زاده، س م، حقوق مدنی؛ اشخاص و محجورین، تهران سمت. ۱۳۸۸
۴. صفایی، س ح، حقوق مدنی، دوره مقدماتی، ج ۲، چاپ یازدهم، نشر: میزان. ۱۳۸۹
۵. عظیمی، س، روانشناسی عمومی، چاپ چهارم، تهران: صفار. ۱۳۷۸
۶. کاپلان؛ س، مباحث عمده در روان‌پزشکی (ترجمه جواد وهابزاده). چاپ دوم. انتشارات آموزش انقلاب اسلامی. ۱۳۸۶
۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۰) حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. همو ، حقوق مدنی: الزاماتهای خارج از قرارداد (جلد اول) ضمان قهری، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۸۴
۹. شهیدی، م، حقوق مدنی ۳ تعهدات، چاپ نهم، تهران، نشر: انتشارات مجد. ۱۳۸۵



مرکز آموزش علمی-کاربردی
سازمان همیاری شهرداری های
ایران



بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند
با همکاری و حمایت معنوی
مرکز آموزش علمی-کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان

همایش ملی

علمی-پژوهشی فقه و حقوق اسلامی



پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

Sponsored and Indexed by

CIVILICA

We Respect the Science

T

PBIN.com

Sponsored And Indexed

همایش های ایران

Symposia

CONF PAPER

کنفرانس-صو

Conference.com

ایستادگی-پژوهش

مطالعات-فقهی

شورای انجمن های علمی ایران

Council of Iranian Scientific Associations

ICISA

دکتر بهنام اسدی

مسئول برگزاری

محور های همایش:

پذیرش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی
علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی
علوم اجتماعی، فرهنگ، هنر (تمام گرایش ها)، ارتباطات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۸

اصفهان

سالن اجلاس دانشگاه



ارکان کلیدی همایش

دبیر اجرایی همایش:

دکتر امین امیریان فارسانی

رئیس هیات داوران،

دکتر سعید سامانی مجد

رئیس شورای سیاست گذاری،

دکتر سعید خردمندی

جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار

کافیت فایل word مقاله خود را به همراه

شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید

phdsara@yahoo.com

ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره

09100636002

همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود

www.olomensani.IR

دبیرخانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم

واحد مشاوره ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ واحد صدور مدرک ۰۲۱۶۴۴۴۱۷۶۴

